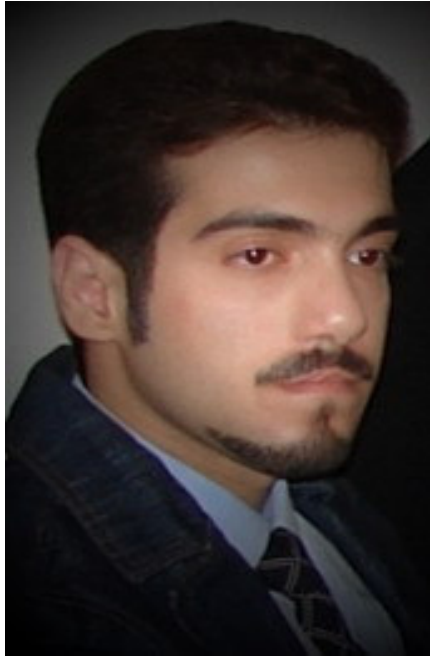


# کمپین يك ميليون امضاء در کرمانشاه ؛ پر فراز و فرود اما پایدار .

## کاوه قاسمی کرمانشاهی

سه ماه پس از آغاز به کار کمپین "یک میلیون امضاء برای تغییر قوانین تبعیض آمیز" یکی از دوستان کرمانشاهی که در تهران دانشجوی بود و با فعالان کمپین ارتباط داشت پیشنهاد برگزاری کارگاه آموزشی کمپین در کرمانشاه را مطرح نمود و این پیشنهاد مورد استقبال مجموعه‌ی دوستان فعال در انجمن ژیار کرمانشاه قرار گرفت و مقدمات برگزاری این کارگاه با حضور کنشگرانی از تهران در عرض یک ماه فراهم شد و در تاریخ هشتم دی ماه ۸۵ نخستین کارگاه آموزشی کمپین یک میلیون امضاء در مناطق کردنشین کشور به همت انجمن ژیار و با حضور جمعی ۳۰ نفره در شهر کرمانشاه برگزار گردید.



هر چند به اذعان آموزش‌گران با توجه به بحث‌های صورت گرفته از سوی شرکت کنندگان، کارگاه کرمانشاه از جمله تجربه‌های موفق برگزاری کارگاه‌های آموزشی کمپین در شهرهای مختلف کشور بود و این انتظار می‌رفت تا در زمانی کوتاه کنشگران کرمانشاهی بتوانند ضمن سامان دادن فعالیت‌های‌شان در شهر کرمانشاه با بالا بردن توانایی‌های خود اقدام به برگزاری کارگاه‌های آموزشی در دیگر شهرهای استان نموده و زمینه‌ی گسترش کمپین را در منطقه به وجود آورند اما مجموعه‌ی مسائلی و مشکلات پیش آمده در جریان فعالیت‌های اعضای کمپین در کرمانشاه باعث شد تا کمپین کرمانشاه از زمان آغاز به فعالیت خود تا کنون مسیری همراه با فراز و فرود بسیار را طی نماید. شاید نخستین ایرادی که بتوان بر فعالان کمپین در کرمانشاه گرفت فعالیت در چارچوب یک انجمن به نام کمپین بود که از همان آغاز با تشکیل کارگاه در دفتر انجمن ژیار صورت پذیرفت. اگر چه در این میان بیش‌ترین ضربه را نه کمپین کرمانشاه که انجمن مذکور خورد. تا آنجا که فعالیت‌های کمپینی اعضای ژیار در کنار دیگر فعالیت‌های مدنی و حقوق بشری‌شان در قالب انجمن از دید مسئولان مصداق "ورود به عرصه‌ی سیاست!" تعبیر گردید و منجر به لغو مجوز فعالیت ژیار از سوی سازمان ملی جوانان شد.

هر چند بسیار غیرمنصفانه است اگر بخواهیم کمپین کرمانشاه را مقصر در انحلال ژیار بدانیم، زیرا که ترویج گفت‌وگو برابری خواهی اقوام و زنان همواره یکی از مهم‌ترین برنامه‌ها و اهداف اعضای انجمن بود و ورود کمپین به کرمانشاه توانست شیوه‌ی عملی و واقعی از تلاش برای رسیدن به یکی از این اهداف یعنی فعالیت در حوزه زنان را پیش روی گروهی از اعضای انجمن که دیگر به فعالان کمپین در کرمانشاه تبدیل شده بودند قرار دهد. ولی اگر از همان ابتدا یعنی برگزاری کارگاه به شیوه‌ی دیگر شهرهای کمپینی عمل می‌کردیم و به جای استفاده از فضا و امکانات یک انجمن رسمی، کارگاه و جلسات خود را در منازل شخصی یا فضاهای عمومی تشکیل می‌دادیم و به گونه‌ای در قالب انجمن به فعالیت کمپینی نمی‌پرداختیم که نزد اداره اطلاعات، ژیار به عنوان نمایندگی کمپین در کرمانشاه شناخته شود! می‌توانستیم با ندادن بهانه به دست مسئولان برای انحلال انجمنی که ۵ سال با چنگ و دندان در حفظش کوشیده بودیم از تأثیرگذاری منفی و بازدارنده‌ی که فشارهای امنیتی وارده بر انجمن طی این مدت و نهایتاً انحلال آن بر روند فعالیت کمپین در کرمانشاه داشت نیز جلوگیری کنیم. از جمله ایرادات دیگر بر فعالان کمپین کرمانشاه که خود مسئولیتی بیش از دیگران در انجام آن بر عهده داشتیم باز می‌گردد به ترکیب شرکت کنندگان در کارگاه آموزشی کمپین و این‌که هر چند سعی ما در دعوت از افراد برای شرکت در کارگاه این بود تا جمعی از فعالان در گروه‌های مختلف اجتماعی از جمله دانشجویان، روزنامه‌نگاران و نمایندگان از تشکلهای مدنی و غیردولتی سطح شهر را گرد هم آوریم تا به واسطه‌ی حضور و فعالیت آنان امکان گسترش کمپین در میان فعالان این گروه‌ها فراهم گردد. اما ریزش نیرویی که از پایان همان روز کارگاه آغاز شد نشان داد که ما در تحلیل خود دچار اشتباه شده و در دعوت از افراد دقت کافی را به خرج ندادیم و نتوانسته بودیم تفاوت بین اشخاصی که علاقه‌مند و مدعی دفاع از حقوق زنان هستند را با افراد دغدغه‌مندی که انگیزه و توانایی فعالیت در این عرصه را ندارند تشخیص دهیم و نتیجه این شد که فعالیت تعدادی از شرکت کنندگان در کارگاه به همان یک امضاء که در آن روز پای بیانیه کمپین انداختند ختم شد!

البته به فاصله‌ی کوتاهی از شروع به فعالیت کمپین در کرمانشاه چند نفر دیگر از اعضای‌مان را نیز در پی احضار به حراست محل کارشان و توصیه به عدم مطرح ساختن چنین مسائلی در رابطه با حقوق زنان و همکاری با کمپین که شاید در آن زمان مسئولان حراستی آشنایی چندانی هم با آن نداشتند از دست دادیم و متأسفانه برخی از این دوستان که اتفاقاً از جمله افراد مدعی در عرصه‌ی دفاع از حقوق زنان بودند، میزان پایبندی به باورها و آستانه‌ی تحمل‌شان آنقدر ضعیف بود که پس از این برخوردهای نرم و آرام نه تنها از فعالیت در کمپین دست شستند بلکه به طور کلی فعالیت در عرصه‌ی اجتماعی و فرهنگی را بوسیده و به کناری گذاشتند و در این راه تعداد دیگری از دوستان‌شان در کمپین کرمانشاه را نیز با خود همراه ساختند.

با این حال شور و شوق و اعتقاد و باور گروهی ۱۵ نفره باقی مانده از آن جمع ۳۰ نفری برای فعالیت بیش‌تر و عمیق‌تر از آن بود که این ریزش نیروی چشمگیر تأثیر چندانی بر فعالیت‌های کمپین در کرمانشاه داشته باشد. جلسات در محل دفتر انجمن ژیار با حضور دوستان فعال هر چند وقت یک بار برگزار می‌شد و در همان چند ماه نخست تعداد قابل توجهی امضاء در کرمانشاه و شهرهای اطراف جمع آوری و برای کمیته‌ی مستند سازی در تهران ارسال گردید.

چند تن از اعضای کمپین کرمانشاه با حضور در مراسمی که به مناسبت روز جهانی زن در اسفند ماه همان سال به دلیل عدم صدور مجوز برگزاری آن در یک مکان عمومی در دفتر یک شرکت خصوصی برگزار شده بود به معرفی کمپین یک میلیون امضاء برای حاضرین در مراسم پرداختند که این خود باعث آشنایی فعالان کمپین کرمانشاه با تعدادی از فعالان زن در شهر جوانرود شد و بدین ترتیب فرم‌های امضاء و دفترچه‌های حقوقی کمپین در اختیار این عزیزان قرار گرفت تا آن‌ها نیز زمینه‌ی گسترش کمپین در شهرهای شمالی استان

کرمانشاه و منطقه‌ی هوارامان را به وجود آورد. هر چند که پیش از این یکی از اعضای کمپین کرمانشاه با سفر به شهرهای نودشه و نوسود کمپین را به نقطه‌ی صفر مرزی هم رسانده بود.

از دیگر فعالیت‌های کنشگران کرمانشاهی کمپین در این مدت می‌توان به اختصاص شماره‌ی زمستان فصل‌نامه‌ی انجمن ژیار به مسنله‌ی زنان یا تأکید بر کمپین یک میلیون امضاء و نیز ترجمه‌ی دو سند اصلی کمپین یعنی بیانیه و دفترچه‌ی حقوقی به زبان کردی با دو گویش گورانی (کلهری) و سورانی اشاره کرد.

ماه پایانی سال ۸۵ و ماه‌های نخست سال جدید همراه بود با موج جدید بازداشت و برخوردهای شدید با شماری از فعالان زن و اعضای کمپین در تهران و نیز دستگیری دو تن از فعالان کمپین کرمانشاه هنگام جمع آوری امضاء در مکان‌های عمومی شهر که به فاصله‌ی یک ماه از یکدیگر اتفاق افتاد و بازداشت چند ساعته‌ی هر یک را به دنبال داشت و به درخواست خود ایشان خبر آن هیچ‌گاه اعلام نشد. همچنین در این زمان بود که مسنولان انجمن ژیار چندین بار به اداره اطلاعات احضار و در مورد چگونگی همکاری انجمن با کمپین و چرایی برگزاری جلسات آن در دفتر انجمن مورد پرسش قرار گرفتند و هشدارهایی را نیز در رابطه با ادامه‌ی این همکاری دریافت نمودند. که همه‌ی این مسائل و مشکلات باعث گشت تا رکود و جمودی طولانی مدت در فعالیت کمپین کرمانشاه پدید آید و اگر نبود ایستادگی و فعالیت تعداد کمی از افراد آن گروه و در آن میان اعضای کمپین از کامیاران که با تمامی این دشواری‌ها به فعالیت‌های خود در آن فضای امنیتی و یأس‌آور در قالب کمپین کرمانشاه ادامه دهند شاید امروز نامی از کرمانشاه در میان شهرهای کمپینی نمی‌یافتیم.

از جمله فعالیت‌هایی که طی این مدت صورت گرفت راه اندازی نخستین سایت مستقل از سایت اصلی کمپین با عنوان "گورین بو یه‌کسانی" (تغییر برای برابری) بود که راه اندازی آن جهت انعکاس اخبار و گزارش‌های مربوط به کمپین در مناطق کردنشین کشور و انتشار مطالب کنشگران کرد کمپین در پیوند با مسنله‌ی زنان پیش از این در مجموعه‌ی فعالان کمپین کرمانشاه به تصویب رسیده بود و با کمک دوستان تهرانی در کمیته‌ی رسانه انجام پذیرفت. همچنین برگزاری نشست و میزگردی در تاریخ سوم شهریور ماه ۸۶ با حضور نمایندگان از ۵ شهر پیوسته به کمپین در کرمانشاه به مناسبت نخستین سالگرد آغاز به کار کمپین که در نوع خود اولین تجربه‌ی برگزاری برنامه‌هایی از این دست در بین شهرهای کمپینی به غیر از تهران بود توانست ضمن آگاه ساختن فعالان هر شهر از مشکلات دیگر شهرها و انتقال تجربیات به یکدیگر و گشودن باب بحث‌هایی در رابطه با مسائل مختلف مربوط به کمپین، آن فضای امنیتی تحمیل شده بر فعالیت‌ها را نیز بشکند و با تزریق انرژی تازه دوباره یاران کمپینی در کرمانشاه را دور هم جمع کند.

به دنبال آن در پایان شهریور ماه "نشست صمیمانه‌ی اعضای کمپین شهرهای مختلف" در تهران برگزار می‌شود که نمایندگان از کرمانشاه نیز در آن حضور می‌یابند و این‌گونه حضورها در ادامه‌ی شرکت فعال اعضای کمپین کرمانشاه در مراسم‌ها و برنامه‌های مشابه برگزار شده توسط کمپین می‌باشد که از جمله می‌توان به "اولین نشست سراسری دست اندرکاران کمپین" در آذر ماه ۸۵ که حتی در آن زمان کمپین کرمانشاه فعالیت خود را به صورت رسمی آغاز نکرده بود اشاره نمود و رد پای این حضور را در دیگر جلسات کمپین تا برنامه‌ی "دومین سالگرد کمپین زیر سایه‌ی مأموران امنیت" یافت.

مهر ماه ۸۶ در سفری که همراه با دو نفر دیگر از اعضای کمپین کرمانشاه به شهر سنندج داریم زمینه‌ی آشنایی با فعالان کمپین در سنندج و مریوان فراهم می‌گردد و پس از آن در قالب گروه فعالان کرد کمپین چند جلسه‌ی مشترک را در کرمانشاه و سنندج با یکدیگر برگزار می‌کنم و بحث‌های مطرح شده در این جلسات بیش‌تر به وضعیت خاص زنان در مناطق کردنشین و ارتباط آن با کمپین اختصاص می‌یابد. هر چند که جریان دستگیری روناک و هانا در این زمان بسیاری از توجهات را به خود جلب می‌کند و در این زمان فشارهای امنیتی بی‌سابقه بر فعالان کرد به ویژه در سنندج تمامی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی را در این منطقه تحت تأثیر قرار می‌دهد و شرایط فعالیت را بسیار سخت‌تر از پیش می‌کند.

زمستان سرد و سخت ۸۶ را بی‌خبر از تشدید اختلافات پیش آمده در کمپین تهران که هیچ‌گاه نیز پس از آگاهی از کم و کیف آن علاقه‌ای به وارد کردن خود در این جریانات نیافتیم پشت سر می‌گذاریم و در آستانه‌ی روز جهانی زن بهانه‌ای می‌یابیم برای دوباره دور هم جمع شدن فعالان کمپینی در کرمانشاه و خوشبختانه همان جمع ۱۰ - ۱۵ نفره در جلسه‌ای به مناسبت ۸ مارس گرد هم می‌آیند تا از کمپین‌شان بگویند و بشنوند و برای فعالیت‌های کمپینی‌شان برنامه‌ریزی کنند.

درست زمانی که احساس و انگیزه‌های فردی و اجتماعی لزوم فعالیت دوباره تعدادی از دوستان قدیمی که مدتی بود به هر دلیلی از فعالیت‌ها فاصله گرفته بودند را در قالب کارهای گروهی و از جمله کمپین می‌طلبد و این حس به وجود می‌آید که کمپین کرمانشاه بار دیگر به سمت فعال‌تر شدن پیش خواهد رفت، حکم لغو مجوز فعالیت انجمن ژیار از سوی سازمان ملی جوانان در اردیبهشت ماه ۸۶ صادر می‌شود و دلیل آن را نیز بدون ارائه‌ی هرگونه سند و مدرکی "ورود به عرصه‌ی سیاست" عنوان می‌کنند! به یاد می‌آوریم آخرین احضارها به اداره اطلاعات را در مدت اخیر که بیش‌تر در رابطه با فعالیت‌های کمپین بود و حتی می‌خواستند ضمن معرفی آن تعداد از اعضای انجمن که در کمپین فعال هستند آماری از تعداد امضاها جمع آوری شده در کرمانشاه به آن‌ها ارائه گردد!

در پی این جریان باز هم جوی از یأس و سرخوردگی در مجموعه‌ی فعالان کمپین در کرمانشاه که بیش‌ترشان هم عضو انجمن ژیار بودند پدید می‌آید آن‌چنان که پس از فیلتر شدن دوباره وبلاگ فعالان کرد کمپین که بچه‌های کرمانشاه مسنولیت اداره آن را بر عهده داشتند وبلاگ به آدرس جدید منتقل نمی‌شود و دیگر مطلبی روی آن قرار نمی‌گیرد. هر چند به باور من مسائل کلان‌تر و مهم‌تر دیگری از جمله فضای به شدت امنیتی کشور که در عبور از مناطق کردنشین به اوج خود می‌رسد، برخوردهای بی‌سابقه با فعالان مدنی و ایجاد محدودیت‌های بسیار برای فعالیت کنشگران کمپین در جای جای ایران بیش‌ترین تأثیر را بر روند فعالیت‌های مدنی در کلیت آن و کمپین یک میلیون امضاء به عنوان حوزه فعالیت مورد بحث ما در این‌جا گذاشته است که کنشگران کرمانشاهی نیز از آن بی‌تأثیر نبوده‌اند.

و اگر به جمله‌ی این مسائل گستردگی زمینه‌ی فعالیت برخی از اعضای فعال کمپین کرمانشاه که بنا بر شرایط جامعه و تعهد انسانی خویش در حوزه‌هایی غیر از زنان نیز مشغول به فعالیت‌های مدنی و حقوق بشری هستند (و چه بسا سابقه‌ی این‌گونه فعالیت‌های‌شان نیز به قبل‌تر از حضورشان در کمپین برسد) را نیز اضافه کنیم شاید تا حدودی این فراز و فرودها در کمپین کرمانشاه قابل توجیه باشد. اما شخصاً بر این نظرم، حال که کمپین یک میلیون امضاء با خارج ساختن بحث حقوق زنان از چارچوب مراکز و انجمن‌های ویژه زنان آن را به گفتمان عمومی جامعه تبدیل کرده و طی دو سال فعالیت خود نقشی به‌سزا در حرکت حق خواهی زنان ایرانی ایفا نموده و پویندگی جنبش زنان ایران را به اثبات رسانده است، حمایت گسترده‌تر و فعالیت بیش‌تر در پیشبرد خواسته‌های برابری خواهانه‌اش را از سوی فعالان مدنی و آنانی که سودای رسیدن به دمکراسی و رعایت حقوق بشر را دارند می‌طلبد.

امید دارم با دوباره فعال شده نیروهای قدیمی و ورود داوطلبان جدید و راه‌اندازی وبلاگی تازه فعالان کمپین در کرمانشاه نیز چنین مسیری را تا رسیدن به برابری طی خواهند نمود و بار دیگر نام کرمانشاه را بر صدر شهرهای فعال کمپین خواهند نشاند.